

## خرد‌گرایی (اصالت عقل)

سرلشکر ناصر فرید

رییس پیشین ستاد ارتش

### ۱- مقدمه □

اصالت عقل آموزه‌ی فلسفی است که عقل را برای شناخت هستی، بر گواهی حواس و تجربه‌های حسی، ترجیح می‌دهد.

فلسفه‌ی اصالت عقل، گواهی عقل را بالاترین معیار حقیقت می‌داند.

عقل، فهمیدن، دریافت کردن، هوش، شعور ذاتی، فهم، علم و دانش و جوهر مستقلی بالذات و بالفعل که اساس و پایه جهان ما بعد طبیعت و عالم روحانیت است. و همان است که در تعریف آن گویند، هر جوهر مجرد مستقلی ذاتاً و فعلاً عقل است.

عقل قوه‌ی است از قوای نفسانی انسان که فعلش تفکر، تدبر و نطق و تمیز و ایجاد صنایع و جز آن است، علم به مصالح امور و منافع و مضار و فُیج افعال و قوه مدرکه که در جهت کمال نفس است. مطلق نفس یعنی روح مجرد انسان.<sup>۱</sup>

### ۲- متن

یادآور می‌شود: گرایش به دانش‌آموزی ادبیات و فلسفه با ذوق عرفانی، در مواقع کوتاه فراغتم از کار سپاهی‌گری و سیاسی بوده که در زندگی روزانه‌ام ادامه دارد.

تاکنون مطالعاتی که در زمینه‌ی هستی‌شناسی کرده‌ام، در میان پدیده‌های شگفت‌انگیز هستی، خرد (عقل) را اعجاب‌انگیزترین کیفیت جهان شناخته‌ام و از آن حیرت‌انگیزتر «مغز»، حاوی خرد را پیچیده‌ترین ساختار مادی می‌انگارم، و این باور، محور تلاش ذهنی‌ام در نگارشی در این زمینه می‌باشد.<sup>۲</sup>

الف - گمان دارم با نوعی تقدیر ناشناخته‌ی ماورایی در طبیعت مادی، حیات با تعادلی خارق‌العاده پدید آمد و در یک حرکت تکاملی خود، انسان شد.

انسان با دید مادی در روشنایی مادی جهان مادی را نظاره کرد و با حواس مادی، ماده را حس کرد و جزیی‌بین شد و سپس با عقل جزیی، متفکر و شناسا گردید و برای ادامه‌ی حیات و شناخت خود و پیرامون خویش به تکاپو پرداخت، طرح زندگی ریخت و مشکل گسل شد.

انسان، عقل جزیی را به‌سوی کمال بُرد، عالم شد و علم را ابزار خودشناسی کرد. اندیشه را تقویت نمود، تخیل را گسترش داد و به‌منظور کشف اسرار جهان، بیرون‌گرا شد. خرد در بستر اعتدال عناصر طبیعت و ویژگی‌های انسان راه کمال می‌پوید و هستی با خرد راز خویش می‌شناسد، هم‌چنان شناخت جهان بر بقاء و تکامل خرد تکیه دارد.

خرد در بستر زمان در وحدت خود بر کثرت می‌راند و اگر در جهان مادی عاملی دیگری با قدرت شناخت، موجود باشد و یا به‌وجود آید، به یقین جوهر شناخت آن، با جوهر خرد انسان یکی است، چه خرد است که

با ابزار خود یعنی علم به جهان بیرون از ذهن پی می‌برد و چون ذات خرد، بر وحدت است، در پویایی خود به شناخت می‌پردازد تا به راز هستی رسد. خرد انسانی به ذات خود رو به مقصود دارد. پس هر فرهنگ انسانی باید برپایه‌ی خردپروری باشد و هر نظام جز این خرد را از راه مقصود بازمی‌دارد.

ب- به مرور ایام این باور به‌وجود آمده است که انسان در عالم مادی، عقل جزیی را در خود دارد و به گونه‌ی مستمر با (عقل کلی) در ارتباط است.

پیوند انسانی با خرد مطلق (عقل کل) از یک درون‌گرایی متحد برخوردار است و راز جهان در وحدت با (عقل کل) خرد مطلق گشودنی است. این کشش و کوشش مبنای تلاش اصلی انسان‌هاست. اراده خرد مطلق در این سیر انسان را به کمال می‌برد، انسان واسطه بین خرد مطلق و جهان مادی است. ارزش انسان به حد شناخت و برخوردارگی و همفکری از خرد مطلق بستگی دارد.

انسان از درون خود به هستی راه دارد که ابدی است و از بیرون خود به زمان و مکان و حال پیوسته است. در حقیقت هر انسان ساخته‌ی است که پا در ابدیت و سر در زمان حال کشیده است. انسان که از عقل جزیی بهره‌ور است و عقل جزیی از عقل کل مایه دارد، در تعقل کلی پیوند خود را با حواس می‌گسلد و در یک سکون و خلوت، به ادراک کل نائل می‌شود که شایسته‌ی توان ویژه اوست.

انسان آن‌گاه که به عقل کل و اراده‌ی کل ره یافته، توان خود را با توان بی‌کران کائنات یکی دید، چون قابل افتد، عقل جزیی و اراده‌ی جزیی خود را با عقل کل و اراده‌ی کل یکی می‌سازد، کردار و فکرش از عقل کل و اراده‌ی کل بهره می‌گیرد و به وحدت می‌رسد و در سرحد عقل بشری اندیشه‌ها را به آن جا می‌برد که در مسیر خرد مطلق قرار گیرد.

آن‌گاه چنین انسانی، نارسایی‌های مردم روزگار خود را می‌سنجد و با ایجاد دگرگونی طرح نو می‌ریزد و جهانی نو می‌سازد. این انسان‌ها را در این درون‌بینی با تجربه به ایمان خاص خود نیازی به حرکت جزء به کل نیست، آن‌ها چون به خود روند یا خلوت گزینند، با عقل کلی بی‌واسطه متصل می‌شوند. این حالت را زمان و مکان خاصی نیست. آنان فارغ از پیرامون خود با خرد مطلق می‌پیوندند، از الهام می‌گیرند و راهبر مردمان می‌شوند. این برگزیدگان همواره در صلح کل رنج‌ها و ناروایی را با روی گشاده می‌پذیرند و تا واپسین روز زندگی از کوشش خود دست برنمی‌دارند.

### ج- ادراک فوق طبیعی و معرفت فراذهنی

پروفیسور سیدحسن امین در تعلیقه‌ی بر کتاب انسان و هستی تالیف نگارنده، نوشته‌اند: این وجیزه که به صورت تعلیقه بر رساله‌ی «انسان و هستی» تالیف دوست فرزانه و ایران‌دوست ما تیمسار سرلشکر ناصر فرید به فرهیختگان و فرزندگان تقدیم می‌شود، در مقام اثبات این فرضیه و به اصطلاح Hypothesis است که اولاً انسان علاوه بر بُعد طبیعی و مادی و برونی، حائز وجهه‌ی معنوی و درونی و فراذهنی و ماوراءطبیعی است. و ثانیاً این وجهه‌ی غیرمادی و این بُعد ماوراءطبیعی یا این حس‌های روحانی، تعلقات روحی و تجارب عرفانی و علائق

